

کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی

(جلد اول)

(بررسی مقابله ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)

Idioms and Phrasal Verbs

اصطلاحات و عبارات فعلی

مترجم و مؤلف:
محمدرضا یاراحمدی

سرشناسه	: یاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی: (بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی= Idioms and phrasal verb/ مولف و مترجم محمدرضا یاراحمدی.
مشخصات نشر	: تهران: گروه تالیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص. : مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۸۰۰۰۰ ریال ۰-۵۲-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸ :
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان دیگر: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.
موضوع	: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.
موضوع	: (بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی.
موضوع	: زبان انگلیسی — اصطلاح‌ها و تعبیرها -- فارسی
شناسه افزوده	: زبان انگلیسی — اصطلاح‌ها و تعبیرها — آموزش برنامه‌ای
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۲ک۲ی/ PE ۱۴۶۰
رده بندی دیوئی	: فا ۴۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۱۹۱۰۴

نام کتاب: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی

ترجمه و تألیف: محمدرضا یاراحمدی

ناشر: گروه تألیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول . ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: ندای ایران

لیتوگرافی و صحافی: راد

ناظر چاپ: حمید خلیلی

مدیر فنی و هنری: علی صفاری

طراحی و صفحه آرایی: آتلیه انتشارات گروه تألیفی دکتر خلیلی

شابک: ۰-۵۲-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸

بهاء: ۳۹۰۰۰۰ تومان

Website: www.drKhaliligroup.ir

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب- جنب سینما پارس- پاساژ پارس - طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۰۶۷۲۵-۰۲۱ و ۶۶۵۶۸۶۲۱-۰۲۱

مدیر فروش: حمید خلیلی ۰۹۱۲۵۵۰۸۵۸۹

(مجموعه کتاب های **IQB** و ما طراحان را می توانید با هماهنگی آموزشگاه یا مدیر فروش، از طریق پست دریافت نمایید.)

فهرست مطالب

۱. معرفی اصطلاحات ۱۵

۲.ساختار عبارات (فعلی،فعل محور، فعلی دستوری) ۱۹

۳. اصطلاحات کاربردی عبارات (دستوری، همراه دو کلید واژه، همراه حرف اضافه) ۳۷

۴. اصطلاحات کاربردی (حدود تقریبی زمان، مقدار، کیفیت،زبان اعداد) ۴۳

۵. اصطلاحات کاربردی (جواب های مرسوم، عبارات روزمره، بیانات تعجبی) ۴۷

۶. اصطلاحات کاربردی (مربوط به تحصیل) ۵۲

۷. اصطلاحات کاربردی (دانش، توانایی،طرح وبرنامه، تصمیم گیری) ۶۱

۸.اصطلاحات کاربردی (آغاز و پایان شرایط مختلف) ۶۹

۹. اصطلاحات کاربردی (ارتباطات تلفنی، پیام) ۷۴

۱۰. اصطلاحات کاربردی (بیان افکار، احساسات شخصی) ۸۰

۱۱. اصطلاحات کاربردی (عادات آزار دهنده، علاقه ها، خواسته ها) ۸۷

۱۲. اصطلاحات کاربردی (فعالیت فیزیکی) ۹۳

۱۳. اصطلاحات کاربردی (مسائل خانوادگی، نسل و همسایه ها) ۹۶

۱۴. اصطلاحات کاربردی (روابط دوستانه) ۱۰۴

۱۵. اصطلاحات کاربردی (گزارش طالع بینی، جرایم، اتفاقات ورزشی، رژیم غذایی) ۱۱۰

۱۶. اصطلاحات کاربردی (مالی) ۱۲۰

۱۷. اصطلاحات کاربردی (توصیف فعالیت خارج از منزل، آب و هوا، سفر، تعطیلات) ۱۳۰

۱۸. اصطلاحات کاربردی (خسارات و تعمیرات، مشکلات و راه حل‌ها) ۱۳۹

مقدمه:

"The illiterate of 21st century will not be those who cannot read and write, but those who cannot learn, unlearn, and relearn."

ELVIN TOFFLER

بی سوادِ قرن بیست و یکم کسی نیست که خواندن و نوشتن بلد نباشد بلکه کسی است که توان یاد گرفتن، دست کشیدن از یاد گرفته ها و دوباره یاد گرفتن را ندارد.

زبان محاوره‌ای و معیار

زبانِ معیار در نزد اهل فن، زبانی است که فرهیختگان در گفتار و نوشتار به کار می‌گیرند. این زبان از قدمت و پختگی برخوردار است و با زبان مردمِ کوچه و بازار تفاوت دارد. اما اگر با واقع بینی به مطالعه زبان بپردازیم، نمی‌توانیم منکر موجودیت زبان غیر رسمی یا به قولی کوچه بازاری بشویم، زبانی که بسیاری مردم با آن گفتار می‌کنند.

در مقاله ی "فارسی زبان عقیم؟" دکتر محمد رضا باطنی آورده است: "زایایی واژگانی از نظر زبان شناختی به مبحث اشتقاق یا واژه سازی مربوط می‌شود و اشتقاق یعنی این که ما بتوانیم از اسم یا صفت فعل بسازیم". برای روشن تر شدن مطلب عیناً قسمتی از مقاله دکتر باطنی را در این جا می‌بینیم.

۱- گفتیم در فارسی فقط فعل‌های ساده هستند که زایایی دارند، یعنی می‌توان از آنها مشتق به دست آورد. اثبات این امر بسیار ساده است. به عنوان مثال فعل "نمودن" را در نظر بگیرید. ما از این فعل مشتق‌های زیادی به دست می‌آوریم: نمود، نمودار، نموده، نمونه، نما، نمایان، نمایش، نماینده (ومشتق‌های دیگری نظیر: نماد، نمادین، نمادگری، نمایه، که به تازگی ساخته و رایج شده اند و نیز مشتق‌های درجه دومی نظیر: نمایندگی، نمایشگاه، نمایشنامه، نمایشی، که با افزودن پسوندی به مشتق‌های درجهٔ اول ساخته شده اند.) با این همه "نمودن" به معنایی که سعدی در این شعر به کار برده است :

دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی بازار خویش و آتش ما تیز می‌کنی

در گفتار و نوشتارِ امروزه بسیار کم به کار می‌رود تاجایی که می‌توان گفت این فعل از بین رفته یا در شرف از بین رفتن است. در زبان فارسی متداول فعل مرکب "نشان دادن" جانشین معنی متعدی آن شده و فعل‌های مرکب"به نظر آمدن" و "به نظر رسیدن" نیز جانشین معنی لازم آن شده اند. ولی این فعل‌های مرکب عقیم هستند و هیچ مشتقی از آنها به دست نمی‌آید. به بیان دیگر، اگر ما فعل ساده "نمودن" را از اول نداشتیم و از

همان آغاز این فعل‌های مرکب به جای آن به کار رفته بودند، امروزه هیچ یک از مشتق‌هایی که در بالا برشمردیم در فارسی وجود نداشت.به عنوان مثال دیگر می‌توان "فریفتن" و "فریب دادن" را مقایسه کرد. از "فریفتن" که مصدری ساده یا بسیط است می‌توان مشتق‌هایی به دست آورد: فریفته، فریفتگی، فریب، فریبا، فریبایی، فریبنده، فریبندگی. ولی از "فریب دادن" که مصدری مرکب است مشتقی به دست نمی‌آید. "فریفتن" در گذشته به صورت لازم و متعدی هر دو به کار می‌رفته است. ولی امروزه معنی لازم خود را بکلی از دست داده است و در معنی متعدی نیز کاربرد زیادی ندارد. بسامد یا فراوانی کاربرد "فریب دادن" از "فریفتن" بسیار بیشتر است، و اگر روند تبدیل فعل‌های ساده به مرکب همچنان ادامه یابد در آینده جانشین بلامنازع "فریفتن"خواهد شد.

۲- در فارسی امروز دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود، یعنی به طور عادی نمی‌توان از اسم یا صفت فعل ساخت. زبان فارسی به ساختن فعل‌های مرکب گرایش دارد و برای مفاهیم تازه نیز از همین الگو استفاده می‌کند. ذکر چند مثال موضوع را روشن خواهد ساخت. در انگلیسی از television فعل televise و در فرانسه فعل televise را ساخته‌اند .درعربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفز، یتلفز. اما ما در فارسی می‌گوییم"ازتلویزیونپخش کرد."درانگلیسی واژه telephone را به صورت فعل هم به کار می‌برند. در فرانسه نیز از آن فعل telephone را ساخته اند. در عربی هم از آنفعل می‌سازند و می‌گویند تلفن، یتلفن. اما ما در فارسی از فعل مرکب "تلفن کردن" استفاده

مـی‌کنـیم. در انگلیسـی از واژه philosophy فلسـفه" فعـل philosophize و در فرانسـه از philosophie فعل philosopher را ساخته‌اند.

در عربی هم از فلسفه فعل مـی‌سـازند و مـی‌گوینـد تفلسـف، یتفلسـف. امـا مـا در فارسـی اگـر مورد قبول واقع شود، می‌گوییم "فلسفه پرداختن" یا "به فلسفه پرداختن."[۱]

امـروزه مخصوصـاً بـین جوانـان عبـارت "بهـت مـی‌زنگـم" جـای "بـا شـما تمـاس تلفنـی می‌گیرم" یا "بهت زنگ می‌زنـم" را گرفتـه اسـت. بـه نظـر بسـیاری از زبـان شناسـان ایـن نـوع گفتار، به ساختار زبـان پارسـی لطمـه مـی‌زنـد. امـا نمـی‌تـوان انکـار کـرد کـه ایـن نـوع گفتـار، متکلمـین یـا گـویش ورانِ خـاص خـود را دارد. البتـه پیشـرفت تکنولـوژی و متعاقـب آن سرعت ارتباطات به گسترش ایـن امـر کمـک مـی‌کنـد. ضـیق وقـت هـم انسـان هـا را وادار بـه موجز گویی کرده و خواه ناخواه این نوع گویش در بین مردم رواج پیدا می‌کند.

شکل(form)

ما برای بیان اندیشه ها و احسـاس مـان بـه قـالبی نیازمنـدیم تـا در آن قالـب کلمـات مـورد نیـاز را ریختـه و شـکل دهـیم. ایـن قالـب مـی‌توانـد گزارشـی، نمایشـی، ادبـی و ... باشـد. بیـان مـا همیشه با احساساتمان می‌آمیزد و بر گفتارمـان لحنـی اضـافه مـی‌کنـد. ایـن لحـن ممکـن اسـت

۱محمد رضا باطنی. "فارسی زبان عقیم؟"

جدی، ترسناک، ملایم، تند، طنز آلود و ... باشد. پس از آن با توجه به موقعیتی که در آن هستیم ناچار به استفاده از نوعی زبان می‌شویم که شاید در موقعیت دیگر آن نوع زبان کارایی نداشته باشد. مثلاً در ادارات یک نوع زبان استفاده می‌شود که در صف نانوایی اگر استفاده شود موجبات خنده اطرافیان را فراهم می‌آورد. پس در موقعیت‌های متفاوت از ظرفیت‌های گوناگون زبان استفاده می‌کنیم و گاهی هم مجبور به استفاده از زبان نوشتاری می‌شویم. انواع قابلیت زبان می‌تواند بهصورت اداری، علمی، محاوره‌ای و یا زبان رسمی باشد.

سبک و سیاق (register and style)

سبک، کاربردِ زبان با توجه به توانایی و شناخت گویش ور از موقعیت‌های خاص اجتماعی است. یعنی اینکه گویش ور بداند در موقعیت‌های مختلف باید از چه نوع ظرفیت زبان استفاده کند. اما سیاق، ساختار زبان در شغل‌های متفاوت است. مثلاً زبان روزنامه‌ای با زبانِ مردم عادی فرق می‌کند و یا سیاق علمی صراحت خاص خود را دارد. در کارهای ادبی می‌توان از واژگان خاص یا صناعات ادبی استفاده کرد ولی در گزارش‌های علمی که اغلب انتقال مطلب، هدف اصلی محسوب می‌شود اجازه استفاده از فنون بیان مثلا تشبیه، استعاره و ... را نداریم. تا آنجا که در نوشتار علمی حتی پاورق

نویسی هم که ضرورت یک متن به حساب می‌آید باعث حواس پرتی خواننده می‌شود و باید نقل قول ها و توضیحات را در پرانتز و بلافاصله جلو مطالب آورد.

در زبان محاوره‌ای که اساساً با زبان نوشتاری متفاوت است، اغلب elision یاحذف صورت می‌گیرد. البته در زبان رسمی هم حذف داریم که بعضی کاملاً مشهود و برخی خیلی آشکار نیستند. مثلاً اگر بنویسیم "بسدِ پسدی"، خواندن آن راحت نیست. در صورتی که خواندن همین دو کلمه بصورت "بسته پستی" برای کسی مشکل ایجاد نمی‌کند، همچنین تلفظ "داسدان" برای واژه "داستان" و "ماسد" بجای "ماست". صورت گفتاری این کلمات است که گرچه به کرّات بر زبان جاری می‌شوند، در نوشتن نامانوس به نظر می‌رسند. دلیل آن است که حرف "ت" در آخر کلمات در هیچ زبانی در دنیا به طور کامل تلفظ نمی‌شود. البته این مبحثی زبان شناسی است که توضیح بیشتر آن در این مقال نمی‌گنجد.از نظر زبان شناسان اهمیت زبان گفتاری به مراتب بیشتر از زبان نوشتاری است و این به خاطر فراوانی افرادی است که از آن استفاده می‌کنند و در نتیجه بدان اعتبار می‌بخشند. در کشور ما اخبار روز به زبان رسمی اما به حالت گفتاری بیان می‌شود. البته اگر زبان معیار حالت محاوره‌ای به خود بگیرد، باز با زبان عامیانه فرق می‌کند. در زبان عامیانه به "قفل"،"قلف" و به "سطل"،"سلط" می‌گویند و بطور کلی زبانِ افراد بی سواد و کم سواد است. ولی زبان محاوره‌ای که رنگ و بوی زبان معیار در آن پر رنگ باشد، نزد اهل فن، زبانی پذیرفتنی است. کما اینکه در مجامع فرهنگی کشورمان این نوع زبان رواج دارد. مقوله استفاده از زبان محاوره‌ای در کنار زبان رسمی

در ایران از قدمت و سابقه‌ای قدیمی برخوردار است. این هم جواری اغلب موجب غنی تر شدن زبان پارسی شده است. برای مثال می‌توان از اشعار ساختارشکنانه مولوی یاد کرد. تغییراتی که گاه گاه در زبان پارسی به خاطر مجاورت با زبان عامه مردم و زبان محاوره‌ای آن ها ایجاد گردیده، انکار ناپذیر است. زبان پارسی در تعامل رو در روی افراد، بسیار بهتر به ارتباط گوینده و مخاطب - که هدف اصلی است - می‌انجامد. گویش ها یا اصطلاحات، راحت تر از زبان معیار و رسمی اندیشه‌های ما را بیان می‌کنند. معمولاً اصطلاحات، تصاویر ذهنی برای ما فراهم می‌کنند که همه چیز را آسان تر توضیح می‌دهند. مثلاً اصطلاح "چرب و چیلی"، بار معنایی و تصویری بالایی دارد که عبارت "بسیار چرب" –که همان مفهوم را دارد- نمی‌تواند آن بار معنایی را منتقل کند. طرفداران استفاده از زبان محاوره‌ای می‌گویند، صمیمیت در گفتار گوینده هنگامی که با زبان محاوره‌ای ارتباط برقرار می‌کند بیشتر است و زبان گفتاری باید حتماً با زبان نوشتاری و مطبوعاتی تفاوت داشته باشد. اما مخالفان تاکید می‌کنند که برای مثال مجریان تلویزیون باید برای عامه مردم الگوی زبان معیار باشند و اگر سخیفانه سخن برانند این الگو به نمونه‌ای بد تبدیل می‌شود و در کل بدآموزی دارد. به هر حال نمی‌توان منکر وجود زبان محاوره‌ای با بار معنایی قوی و ارتباط گرم و صمیمی که برقرار می‌کند شد.

بهار ۱۳۹۲

تقدیم به خانواده و استادانم

با تشکر ازخانم زهره چگنی که موجودیت این کتاب مدیون زحمات اوست.

اَللّهُمَ اَخرِجنی مِن ظُلُماتِ الهوَهمِ
وَ اَکرِمنی بِنُورِ الفَهمِ
اَللّهُمَ افتَح عَلَینا اَبوابَ رَحمَتِکَ
وَ انشُر عَلَینا خُزائِن عُلُومِکَ
بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

پروردگارا، خارج کن مرا از تاریکی‌های فکر و گرامی بدار به نور فهم
پروردگارا، بگشای بر ما درهای رحمتت را و بگستران گنج‌های دانشت را
به امید رحمت توای مهربان‌ترین مهربانان

معرفی اصطلاحات

پیش از مطالعه و آشنایی با معنا و مفهوم اصطلاحات، باید بدانید هدف این کتاب تحلیل معانی اصطلاحات انگلیسی است. باید در نظر گرفت آنچه در این زبان به عنوان اصطلاح معرفی می‌شود، ممکن است در زبان پارسی یکی از ساختارهای معمولی زبان محاوره آن محسوب شود. از طرفی آنچه فرهنگ اصطلاحات محاوره ی یک پارسی زبان را می‌سازد، ممکن است در زبان انگلیسی جایگاهی نداشته باشد و یا اصطلاح محسوب نشود. اما تلاش مترجمان همیشه بر آن هستند که زبان‌ها را به هم نزدیک کنند تا پیش از آنکه ترجمه و معادل سازی بیانگر تفاوت‌ها شود، نمایانگر شباهت‌ها باشد. باید در نظر گرفت اگرچه از فرم نوشتاری برای ذکر این اصطلاحات استفاده شده است، اما این کتاب بر آن است تا شباهت ساختارهای محاوره‌ای زبان پارسی را با اصطلاحات انگلیسی نشان دهد، لذا ناگزیر از اعمال بعضی تغییرات بوده ایم. مثلاً به جای آنکه بنویسیم "سر و سامان" فرم محاوره‌ای آن را نوشتیم، یعنی "سر و سامون" و نمونه‌هایی از این قبیل. یا در اکثر جمله‌ها "را" که نشانه مفعولی است، حذف شده است تا شکل محاوره بیشتر خود را نشان دهد.

اصطلاح چیست؟

اصطلاح عبارتیست که نمی توان معنای آن را با ترجمه لغت به لغت متوجه شد. ولی همیشه فهم معنای اصطلاحات سخت نیست. بسیاری از اصطلاحات شکل و ساختار تغییر ناپذیری دارند، این نکته به خاطر سپاری آنها را آسان می‌کند.

اصطلاح:

۱ . عبارتی است که معنای آن را از کلمات تشکیل دهنده اش نمی توان حدس زد.

۲ . معمولا ساختار ثابتی دارند.

۳. در زبان انگلیسی زیاد استفاده می‌شوند و بسیاری از آنها محاوره‌ای هستند.

چه نوع اصطلاحات و عبارات فعلی را یاد می‌گیریم؟

زبان آموزان بیشتر به دنبال یادگیری اصطلاحات و عباراتی هستند که عجیبو غریب و نا آشنا باشند،یادگیری این نمونه از اصطلاحاتلطف دیگری دارد. علاوه بر این نکته، باید در نظر داشت هزاران اصطلاح آسان، قابل فهم و کاربردی تر وجود دارند که یادگیری آن‌ها بسیار سودمند و کاربردی تر است.بعضی از این اصطلاحات آن قدر در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرند که توجهی به آن‌ها نمی شود. اما ترجمه آن‌ها به زبان مادری نیاز به معادل سازی خاصی دارد. بسیاری از فرهنگ‌ها در ارتباط با عباراتی که می‌توانند در حیطه اصطلاحات قرار بگیرنداختلاف نظر دارند. در زیر منابعی که برای شناسایی اصطلاحات این کتاب ذکر شده است.

DICTIONARYOXFORD ADVANCED LEARNER'S
OXFORD WORD POWER DICTIONARY
OXFORD IDIOM DICTIONARY FOR LEARNER'S OF ENGLISH

انواع اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی

۱. اصطلاح فعل محور
۲. عبارات دارای حرف اضافه
۳. عبارات فعلی ساختار ثابت (که دو کلید واژه دارند و معمولاً با **or** یا **and** به هم می‌پیوندند)
٤. ضرب المثل ها
۵. عبارات اسمی
٦. عبارات محاوره‌ای

انواع اصطلاحات	مثال	معنی
اصطلاح فعل محور	take advantage of	استفاده بهینه از چیزی کردن
عبارات فعلی اصطلاحی	laugh sth off	چیزی را با خنده و شوخی رد کردن
عبارات همراه حرف اضافه	in that case	درآن صورت
ضرب المثل ها	better late than never	دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است
عبارت ثابت با دو کلید واژه به همراه or و and	bright and early	صبح کله سحر
عبارت اسمی	a piece of cake	مثل آب خوردن
عبارات محاوره ای	don't ask me	من چه می‌دونم

مثال‌های زیر نمونه‌ای از اصطلاحات مذکور را نشان می‌دهد :

1. We left camp **bright and early** to **take the advantage of** good weather.
2. Well, **in that case**, we should give Tim a ring.
3. It's **a piece of cake**.
4. Ah, well, **better late than never**, eh!
5. I tried to **laugh** it **off**.
6. "**Don't ask me**" he said.

اصطلاحات زبان انگلیسی و فرهنگ واژه ها

جای اصطلاحات در فرهنگ کجاست؟

اصطلاحات مکان خاصی در فرهنگ ندارند. برای پیدا کردن اصطلاحات باید به مقدمه هر فرهنگ مراجعه کرد. اگر بیش از یک اصطلاح برای یک کلید واژه وجود داشته باشد آنها به ترتیب حروف الفبا در زیر آن کلید واژه، می‌آیند.

چگونه اصطلاحات را جستجو می‌کنیم؟

در **Oxford Advanced Learner's** این اصطلاحات یافت می‌شود و قانون خاص و ثابتی برای یافتن اصطلاحات وجود ندارد، اما بهتر است بدانید که برای این اصطلاحات درفرهنگ مذکور **reference–cross** وجود دارد.

با کمک فرهنگ:

- می توان معنای اصطلاحات و مثال برای آن‌ها راپیدا کرد.
- می توان دریافت کدام اصطلاح در زبانِ رسمی و کدام در زبان غیر رسمی استفاده می‌شود.
- می توان قسمت تغییر پذیر اصطلاحات را شناخت و تغییرات لازم را بر آن‌ها اعمال کرد.

ساختار عبارات
(فعلی، فعل‌محور، فعلی‌دستوری)

از آنجا که مطالعه قسمتی از مقاله "فارسی زبان عقیم؟" برای درک بیشتر ساختارهای عبارات فعلی واجب است، لذا این بخش از مقدمه را که ممکن است توسط خواننده عزیز در ابتدای کتاب مطالعه نشده باشد، عیناً در اینجا ذکر کردیم.

"زایایی و واژگانی از نظر زبان شناختی به مبحث اشتقاق یا واژه سازی مربوط می‌شود و اشتقاق یعنی این که ما بتوانیم از اسم یا صفت فعل بسازیم."

۱- گفتیم در فارسی فقط فعل‌های ساده هستند که زایایی دارند، یعنی می‌توان از آنها مشتق به دست آورد. اثبات این امر بسیار ساده است. به عنوان مثال فعل "نمودن" را در نظر بگیرید. ما از این فعل مشتق‌های زیادی به دست می‌آوریم: نمود، نمودار، نموده، نمونه، نما، نمایان، نمایش، نماینده (و مشتق‌های دیگری نظیر: نماد، نمادین، نمادگری، نمایه، که به تازگی ساخته و رایج شده‌اند و نیز مشتق‌های درجه دومی نظیر: نمایندگی، نمایشگاه، نمایشنامه، نمایشی، که با افزودن پسوندی به مشتق‌های درجهٔ اول ساخته شده‌اند). با این همه "نمودن" به معنایی که سعدی در این شعر به کار برده است:

دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی بازار خویش و آتش ما تیز می‌کنی.

در گفتار و نوشتار امروزه بسیار کم به کار می‌رود تاجایی که می‌توان گفت این فعل از بین رفته یا در شرف از بین رفتن است. در زبان فارسی متداول فعل مرکب"نشان دادن" جانشین معنی متعدی آن شده و فعل‌های مرکب"به نظر آمدن" و "به نظر رسیدن" نیز جانشین معنی لازم آن شده اند. ولی این فعل‌های مرکب عقیم هستند و هیچ مشتقی از آنها به دست نمی‌آید. به بیان دیگر، اگر ما فعل ساده "نمودن" را از اول نداشتیم و از همان آغاز این فعل‌های مرکب به جای آن به کار رفته بودند، امروزه هیچ یک از مشتق‌هایی که در بالا برشمردیم در فارسی وجود نداشت.به عنوان مثال دیگر می‌توان "فریفتن" و "فریب دادن" را مقایسه کرد. از "فریفتن" که مصدری ساده یا بسیط است می‌توان مشتق‌هایی به دست آورد: فریفته، فریفتگی، فریب، فریبا، فریبایی، فریبنده، فریبندگی. ولی از "فریب دادن" که مصدری مرکب است مشتقی به دست نمی آید. "فریفتن" در گذشته به صورت لازم و متعدی هر دو به کار می‌رفته است. ولی امروزه معنی لازم خود را بکلی از دست داده است و در معنی متعدی نیز کاربرد زیادی ندارد. بسامد یا فراوانی کاربرد "فریب دادن" از "فریفتن" بسیار بیشتر است، و اگر روند تبدیل فعل‌های ساده به مرکب همچنان ادامه یابد در آینده جانشین بلامنازع "فریفتن خواهد شد."

۲- در فارسی امروز دیگر فعل ساده ساخته نمی شود، یعنی به طور عادی نمی توان از اسم یا صفت فعل ساخت. زبان فارسی به ساختن فعل‌های مرکب گرایش دارد و برای مفاهیم تازه نیز از همین الگو استفاده می‌کند. ذکر چند مثال موضوع را روشن خواهد ساخت. در انگلیسی از television فعل televise و در فرانسه فعل televise را ساخته اند .



کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی

(جلد دوم)

(بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)

Idioms and Phrasal Verbs
Advanced
Ruth Gairns and Stuart Redman

مترجم و مؤلف:
محمدرضا یاراحمدی

سرشناسه	: یاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی: (بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی = Idioms and phrasal verb /مولف و مترجم محمدرضا یاراحمدی.
مشخصات نشر	: تهران: گروه تالیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ج.: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۸۰۰۰۰ ریال: ج.۱: ۰-۵۲-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸؛ ج.۲: ۹-۵۹-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان دیگر: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.
عنوان دیگر	: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.
عنوان دیگر	: (بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی.
موضوع	: زبان انگلیسی – اصطلاح‌ها و تعبیرها -- فارسی
موضوع	: زبان انگلیسی – اصطلاح‌ها و تعبیرها – آموزش برنامه‌ای
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۲ک۲ی/۱۴۶۰ PE
رده بندی دیوئی	: فا ۴۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۱۹۱۰۴

نام کتاب: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی (جلد دوم)

ترجمه و تألیف: محمدرضا یاراحمدی

ناشر: گروه تألیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول . ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: ندای ایران

لیتوگرافی و صحافی: راد

ناظر چاپ: حمید خلیلی

مدیر فنی و هنری: علی صفاری

طراحی و صفحه آرایی: آتلیه انتشارات گروه تألیفی دکتر خلیلی

شابک: ۹-۵۹-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸

بهاء: ۳۹۰۰۰۰ تومان

Website: www.drKhaliligroup.ir

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب- جنب سینما پارس- پاساژ پارس – طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۰۶۷۲۵-۰۲۱ و ۶۶۵۶۸۶۲۱-۰۲۱

مدیر فروش: حمید خلیلی ۰۹۱۲۵۵۰۸۵۸۹

(مجموعه کتاب های **IQB** و ما طراحان را می توانید با هماهنگی آموزشگاه یا مدیر فروش، از طریق پست دریافت نمایید.)

فهرست مطالب

بخش اول

۱. عبارت‌های فعلی و اصطلاحات ۱۲
۲. عبارت‌های اسمی و اصطلاحات ۲۱
۳. عبارت‌های وصفی و اصطلاحات ۲۹
۴. عبارت‌های حرف اضافه و اصطلاحات ۳۱
۵. عبارت‌های ثابت به همراه دو کلید واژه (عبارت‌های پیوندی) ۳۵

بخش دوم

۱. کاربرد استعاره در اصطلاحات ۴۱
۲. کاربرد تشبیه در اصطلاحات ۴۶
۳. کاربرد ضرب المثل در اصطلاحات ۴۷
۴. کاربرد عبارت‌های تاکیدی در اصطلاحات ۵۰
۵. کاربرد عبارت‌های اغراق آمیز در اصطلاحات ۵۱

بخش سوم

۱. اصطلاحات کاربردی زبانِ گفتار ۵۴
۲. اصطلاحات کاربردی زبانِ نوشتار ۶۱
۳. رسانه‌های گروهی ۶۲
۴. متون حقوقی ۶۳

بخش چهارم

۱. ارتباطات و اصطلاحات ۶۷
۲. تفسیر (توضیح) شرایط و اصطلاحات ۷۰
۳. سخنرانی و اصطلاحات ۷۳
۴. بیان نگرش (دیدگاه) و اصطلاحات ۷۵

بخش پنجم

۱. زبان طنز (شوخی) و اصطلاحات ۸۰
۲. زبان نقد (انتقاد) و اصطلاحات ۸۳
۳. زبان بحث و اصطلاحات ۸۶

بخش ششم

۱. نصیحت و اصطلاحات ۹۰
۲. مشکلات و اصطلاحات ۹۴
۳. تصمیم‌گیری و اصطلاحات ۹۸
۴. ریسک‌پذیری و اصطلاحات ۱۰۲

بخش هفتم

۱. توصیف شخصیت و اصطلاحات ۱۰۶
۲. توصیف رفتار و اصطلاحات ۱۰۹
۳. توصیف احساسات و اصطلاحات ۱۱۲

بخش هشتم

۱. خانواده و اصطلاحات ۱۲۱

بخش نهم

۱. زندگی (فعالیت فیزیکی، خوراک، سلامتی) و اصطلاحات ۱۲۹

بخش دهم

۱. قرار و اصطلاحات ۱۳۹
۲. تجدید دیدار و اصطلاحات ۱۴۱
۳. کنفرانس و اصطلاحات ۱۴۴
۴. جلسه و اصطلاحات ۱۴۶

بخش یازدهم

۱. پول و اصطلاحات ۱۵۱
۲. فقر و ثروت و اصطلاحات ۱۵۳
۳. کار و اصطلاحات ۱۵۵
۴. تجارت و اصطلاحات ۱۵۹

بخش دوازدهم

۱. جرم و اصطلاحات ۱۶۵
۲. تظاهرات و اصطلاحات ۱۶۸
۳. سیاست و اصطلاحات ۱۷۱
۴. کشمکش (مبارزه) و اصطلاحات ۱۷۲

بخش سیزدهم

این بخش جهت مطالعه‌ی شخصی خوانندگان است.

۱. رسانه ۱۷۴
۲. افراد مشهور ۱۷۶
۳. رقابت ۱۷۸
۴. جشنواره موسیقی ۱۸۰
۴. مسابقه فوتبال ۱۸۱
۵. آب و هوا ۱۸۳

مقدمه:

"The illiterate of 21st century will not be those who cannot read and write, but those who cannot learn, unlearn, and relearn."

ELVIN TOFFLER

بی سوادِ قرن بیست و یکم کسی نیست که خواندن و نوشتن بلد نباشد بلکه کسی است که توان یاد گرفتن، دست کشیدن از یاد گرفته ها و دوباره یاد گرفتن را ندارد.

زبان محاوره‌ای و معیار

زبانِ معیار در نزد اهل فن، زبانی است که فرهیختگان در گفتار و نوشتار به کار می‌گیرند. این زبان از قدمت و پختگی برخوردار است و با زبان مردمِ کوچه و بازار تفاوت دارد. اما اگر با واقع بینی به مطالعه زبان بپردازیم، نمی‌توانیم منکر موجودیت زبان غیر رسمی یا به قولی کوچه بازاری بشویم، زبانی که بسیاری مردم با آن گفتار می‌کنند.

در مقاله ی "فارسی زبان عقیم؟" دکتر محمد رضا باطنی آورده است: "زایایی واژگانی از نظر زبان شناختی به مبحث اشتقاق یا واژه سازی مربوط می‌شود و اشتقاق یعنی این که ما بتوانیم از اسم یا صفت فعل بسازیم". برای روشن تر شدن مطلب عیناً قسمتی از مقاله دکتر باطنی را در این جا می‌بینیم.

۱- گفتیم در فارسی فقط فعل‌های ساده هستند که زایایی دارند، یعنی می‌توان از آنها مشتق به دست آورد. اثبات این امر بسیار ساده است. به عنوان مثال فعل "نمودن" را در نظر بگیرید. ما از این فعل مشتق‌های زیادی به دست می‌آوریم: نمود، نمودار، نموده، نمونه، نما، نمایان، نمایش، نماینده (ومشتق‌های دیگری نظیر: نماد، نمادین، نمادگری، نمایه، که به تازگی ساخته و رایج شده اند و نیز مشتق‌های درجه دومی نظیر: نمایندگی، نمایشگاه، نمایشنامه، نمایشی، که با افزودن پسوندی به مشتق‌های درجهٔ اول ساخته شده اند.) با این همه "نمودن" به معنایی که سعدی در این شعر به کار برده است :

دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی بازار خویش و آتش ما تیز می‌کنی

در گفتار و نوشتارِ امروزه بسیار کم به کار می‌رود تاجایی که می‌توان گفت این فعل از بین رفته یا در شرف از بین رفتن است. در زبان فارسی متداول فعل مرکب "نشان دادن" جانشین معنی متعدی آن شده و فعل‌های مرکب"به نظر آمدن" و "به نظر رسیدن" نیز جانشین معنی لازم آن

شده اند. ولی این فعل‌های مرکب عقیم هستند و هیچ مشتقی از آنها به دست نمی‌آید. به بیان دیگر، اگر ما فعل ساده "نمودن" را از اول نداشتیم و از همان آغاز این فعل‌های مرکب به جای آن به کار رفته بودند، امروزه هیچ یک از مشتق‌هایی که در بالا برشمردیم در فارسی وجود نداشت.به عنوان مثال دیگر می‌توان "فریفتن" و "فریب دادن" را مقایسه کرد. از "فریفتن" که مصدری ساده یا بسیط است می‌توان مشتق‌هایی به دست آورد: فریفته، فریفتگی، فریب، فریبا، فریبایی، فریبنده، فریبندگی. ولی از "فریب دادن" که مصدری مرکب است مشتقی به دست نمی‌آید. "فریفتن" در گذشته به صورت لازم و متعدی هر دو به کار می‌رفته است. ولی امروزه معنی لازم خود را بکلی از دست داده است و در معنی متعدی نیز کاربرد زیادی ندارد. بسامد یا فراوانی کاربرد "فریب دادن" از "فریفتن" بسیار بیشتر است، و اگر روند تبدیل فعل‌های ساده به مرکب همچنان ادامه یابد در آینده جانشین بلامنازع "فریفتن"خواهد شد.

۲- در فارسی امروز دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود، یعنی به طور عادی نمی‌توان از اسم یا صفت فعل ساخت. زبان فارسی به ساختن فعل‌های مرکب گرایش دارد و برای مفاهیم تازه نیز از همین الگو استفاده می‌کند. ذکر چند مثال موضوع را روشن خواهد ساخت. در انگلیسی از television فعل televise و در فرانسه فعل televise را ساخته‌اند .درعربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفز، یتلفز. اما ما در فارسی می‌گوییم"ازتلویزیون پخش کرد."درانگلیسی واژه telephone را به صورت فعل هم به کار می‌برند. در فرانسه نیز از آن فعل telephone را ساخته اند. در عربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفن، یتلفن. اما ما در فارسی از فعل مرکب "تلفن کردن" استفاده می‌کنیم. در انگلیسی از واژه philosophy فلسفه" فعل philosophize و در فرانسه از philosophie فعل philosopher را ساخته‌اند.

در عربی هم از فلسفه فعل می‌سازند و می‌گویند تفلسف، یتفلسف. اما ما در فارسی اگر مورد قبول واقع شود، می‌گوییم "فلسفه پرداختن" یا "به فلسفه پرداختن."[۱]

امروزه مخصوصاً بین جوانان عبارت "بهت می‌زنگم" جای "با شما تماس تلفنی می‌گیرم" یا "بهت زنگ می‌زنم" را گرفته است. به نظر بسیاری از زبان شناسان این نوع گفتار، به ساختار زبان پارسی لطمه می‌زند. اما نمی‌توان انکار کرد که این نوع گفتار، متکلمین یا گویش ورانِ خاص خود را دارد. البته پیشرفت تکنولوژی و متعاقب آن سرعت ارتباطات به گسترش این امر کمک می‌کند. ضیق وقت هم انسان ها را وادار به موجز گویی کرده و خواه ناخواه این نوع گویش در بین مردم رواج پیدا می‌کند.

۱محمد رضا باطنی. "فارسی زبان عقیم؟"

شکل(form)

ما برای بیان اندیشه ها و احساس مان به قالبی نیازمندیم تا در آن قالب کلمات مورد نیاز را ریخته و شکل دهیم. این قالب می‌تواند گزارشی، نمایشی، ادبی و ... باشد. بیان ما همیشه با احساساتمان می‌آمیزد و بر گفتارمان لحنی اضافه می‌کند. این لحن ممکن است جدی، ترسناک، ملایم، تند، طنز آلود و ... باشد. پس از آن با توجه به موقعیتی که در آن هستیم ناچار به استفاده از نوعی زبان می‌شویم که شاید در موقعیت دیگر آن نوع زبان کارایی نداشته باشد. مثلاً در ادارات یک نوع زبان استفاده می‌شود که در صف نانوایی اگر استفاده شود موجبات خنده اطرافیان را فراهم می‌آورد. پس در موقعیت‌های متفاوت از ظرفیت‌های گوناگون زبان استفاده می‌کنیم و گاهی هم مجبور به استفاده از زبان نوشتاری می‌شویم. انواع قابلیت زبان می‌تواند بهصورت اداری، علمی، محاوره‌ای و یا زبان رسمی باشد.

سبک و سیاق (register and style**)**

سبک، کاربردِ زبان با توجه به توانایی و شناخت گویش ور از موقعیت‌های خاص اجتماعی است. یعنی اینکه گویش ور بداند در موقعیت‌های مختلف باید از چه نوع ظرفیت زبان استفاده کند. اما سیاق، ساختار زبان در شغل‌های متفاوت است. مثلاً زبان روزنامه‌ای با زبانِ مردم عادی فرق می‌کند و یا سیاق علمی صراحت خاص خود را دارد. در کارهای ادبی می‌توان از واژگان خاص یا صناعات ادبی استفاده کرد ولی در گزارش‌های علمی که اغلب انتقال مطلب، هدف اصلی محسوب می‌شود اجازه استفاده از فنون بیان مثلا تشبیه، استعاره و ... را نداریم. تا آنجا که در نوشتار علمی حتی پاورق نویسی هم که ضرورت یک متن به حساب می‌آید باعث حواس پرتی خواننده می‌شود و باید نقل قول ها و توضیحات را در پرانتز و بلافاصله جلو مطالب آورد.

در زبان محاوره‌ای که اساساً با زبان نوشتاری متفاوت است، اغلب elision یاحذف صورت می‌گیرد. البته در زبان رسمی هم حذف داریم که بعضی کاملاً مشهود و برخی خیلی آشکار نیستند. مثلاً اگر بنویسیم "بسدِ پسدی"، خواندن آن راحت نیست. در صورتی که خواندن همین دو کلمه بصورت "بسته پستی" برای کسی مشکل ایجاد نمی‌کند، همچنین تلفظ "داسدان" برای واژه "داستان" و "ماسد" بجای "ماست"، صورت گفتاری این کلمات است که گرچه به کرّات بر زبان جاری می‌شوند، در نوشتن نامانوس به نظر می‌رسند. دلیل آن است که حرف "ت" در آخر کلمات در هیچ زبانی در دنیا به طور کامل تلفظ نمی‌شود. البته این مبحثی زبان شناسی است که توضیح بیشتر آن در این مقال نمی‌گنجد.از نظر زبان شناسان اهمیت زبان گفتاری به مراتب بیشتر از زبان نوشتاری است و این به خاطر فراوانی افرادی است که از آن استفاده می‌کنند و در نتیجه بدان اعتبار می‌بخشند. در کشور ما اخبار روز به زبان رسمی اما به حالت گفتاری بیان

می‌شود. البته اگر زبان معیار حالت محاوره‌ای به خود بگیرد، باز با زبان عامیانه فرق می‌کند. در زبان عامیانه به "قفل"،"قلف" و به "سطل"،"سلط" می‌گویند و بطور کلی زبانِ افراد بی سواد و کم سواد است. ولی زبان محاوره‌ای که رنگ و بوی زبان معیار در آن پر رنگ باشد، نزد اهل فن، زبانی پذیرفتنی است. کما اینکه در مجامع فرهنگی کشورمان این نوع زبان رواج دارد. مقوله استفاده از زبان محاوره‌ای در کنار زبان رسمی در ایران از قدمت و سابقه‌ای قدیمی برخوردار است. این هم جواری اغلب موجب غنی تر شدن زبان پارسی شده است. برای مثال می‌توان از اشعار ساختارشکنانه مولوی یاد کرد. تغییراتی که گاه گاه در زبان پارسی به خاطر مجاورت با زبان عامه مردم و زبان محاوره‌ای آن ها ایجاد گردیده، انکار ناپذیر است. زبان پارسی در تعامل رو در روی افراد، بسیار بهتر به ارتباط گوینده و مخاطب – که هدف اصلی است – می‌انجامد. گویش ها یا اصطلاحات، راحت تر از زبان معیار و رسمی اندیشه‌های ما را بیان می‌کنند. معمولاً اصطلاحات، تصاویر ذهنی برای ما فراهم می‌کنند که همه چیز را آسان تر توضیح می‌دهند. مثلاً اصطلاح "چرب و چیلی"، بار معنایی و تصویری بالایی دارد که عبارت "بسیار چرب" –که همان مفهوم را دارد– نمی‌تواند آن بار معنایی را منتقل کند. طرفداران استفاده از زبان محاوره‌ای می‌گویند، صمیمیت در گفتار گوینده هنگامی که با زبان محاوره‌ای ارتباط برقرار می‌کند بیشتر است و زبان گفتاری باید حتماً با زبان نوشتاری و مطبوعاتی تفاوت داشته باشد. اما مخالفان تاکید می‌کنند که برای مثال مجریان تلویزیون باید برای عامه مردم الگوی زبان معیار باشند و اگر سخیفانه سخن برانند این الگو به نمونه‌ای بد تبدیل می‌شود و در کل بدآموزی دارد. به هر حال نمی‌توان منکر وجود زبان محاوره‌ای با بار معنایی قوی و ارتباط گرم و صمیمی که برقرار می‌کند شد.

بهار ۱۳۹۲

تقدیم به خانواده و استادانم

با تشکر ازخانم زهره چگنی که موجودیت این کتاب مدیون زحمات اوست.

اَللّهُمَ اَخرِجنی مِن ظُلُماتِ الهوَهمِ
وَ اَکرِمنی بِنُورِ الفَهمِ
اَللّهُمَ افتَح عَلَینا اَبوابَ رَحمَتِکَ
وَ انشُر عَلَینا خُزائِن عُلُومِکَ
بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

پروردگارا، خارج کن مرا از تاریکی‌های فکر و گرامی بدار به نور فهم
پروردگارا، بگشای بر ما درهای رحمتت را و بگستران گنج‌های دانشت را
به امید رحمت توای مهربان‌ترین مهربانان

بخش اول

۱. عبارت‌های فعلی و اصطلاحات

۲. عبارت‌های اسمی و اصطلاحات

۳. عبارت‌های وصفی و اصطلاحات

۴. عبارت‌های حرف اضافه و اصطلاحات

۵. عبارت‌های ثابت به همراه دو کلید واژه (عبارت‌های پیوندی)

شرح مختصری از عبارت‌های فعلی

در زبان انگلیسی عبارت‌های فعلی از زیر مجموعه اصطلاحات محسوب می‌شوند. عبارت‌های فعلی به طور معمول از دو یا سه کلمه تشکیل شده‌اند و فهم معنای آنها از باقی اصطلاحات آسان‌تر است. عبارت‌های فعلی از یک فعل اصلی به همراه حرف اضافه و یا قید تشکیل شده‌اند، مانند: chek in, slow up, look up... به عبارت دیگر معنای عبارات فعلی از معنای فعل اصلی بدون حرف اضافه متمایز است.

ساختار دستوری عبارات فعلی

مهمترین عبارات فعلی عبارتند از:

۱. عبارات فعلی که مفعول نیاز ندارند. (فعل لازم- intransitive)

۲. عبارات فعلی جدا شدنی که به مفعول نیاز دارند. (افعال جداشدنی، متعدی- transitive)

- مفعول می‌تواند میان فعل اصلی و حرف قرار گیرد.
- مفعول می‌تواند بعد از عبارت فعلی قرار گیرد.

مثال

- She wrote **his name** down. (true)
- She wrote down **his name**. (false)

- اگر مفعول طولانی باشد، پس از عبارت فعلی قرار می‌گیرد.

مثال

- She write down **every thing she could remember about him.**

• اگر مفعول، ضمیر باشد بین حرف و فعل قرار می‌گیرد.

مثال She wrote ***it*** down.

۳. عبارات فعلی که حتی با وجود مفعول، جدا نشدنی هستند. (افعال جدا نشدنی، متعدی= transitive)

مثال

He looked after the baby. •

He looked the baby after. ×

معنای عبارات فعلی

۱. بعضی از حرف‌ها معنای فعل اصلی در عبارات فعلی را کامل می‌کنند.

برای مثال در جمله‌ی زیر up معنای کامل و تمام می‌دهد.

شامِت رو کامل بخور. Eat up your supper.

نکته: بعضی از حرف‌ها معنای تازه‌ای به فعل اصلی می‌دهند، اما این معنای جدید هنوز در ارتباط با فعل اصلی است.

برای مثال در جمله زیر in معنای داخل یا در خانه می‌دهد.

بیا امشب شام رو خونه بخوریم. Let's eat in this evening.

۲. بعضی از حرف‌ها معنای فعل اصلی را از سطح معمولی و اولیه به معنای کنایه‌ای تغییر می‌دهد.

برای مثال در جمله زیر into معنای خرج کردن و تمام کردن می‌دهد.

These big bills are eating in to my savings.

با این صورت حساب‌های وحشتناک، تمام پس‌اندازی که دارم رو خرج می‌کنم.

عبارات فعلی به همراه حرف اضافه (زبان رسمی)

در جلد اول، راجع به عبارت‌های فعلی به همراه حرف اضافه صحبت کردیم که در حیطه زبان غیر رسمی قرار می‌گرفتند. باید بدانید که تعداد کمی از این عبارت‌ها در این حیطه هستند. در این جلد راجع به کاربرد این گونه فعل‌ها در زبان رسمی گفتار و نوشتار صحبت می‌کنیم. این فعل‌ها معمولاً در انگلیسی نوشتاری و بیشتر در زبان رسمی گفتاری استفاده می‌شوند. وسعت استفاده این فعل‌ها در زبان رسمی به این خاطر است که فعل اصلی این عبارات شکل رسمی دارند.

در جدول زیر نمونه‌ای از این عبارت‌های فعلی به همراه حرف اضافه آورده شده است.

معنی	اصطلاح
وفادار بودن به، اطاعت کردن از (قوانین، دستورها)	adhere to sth
با کنایه صحبت کردن	allude to sth
مشابه، مثل، برابر چیزی بودن	amount to sth
شرکت کردن، درگیر شدن در کاری	be engaged in sth
با مشکلات و شرایط بد دست و پنجه نرم کردن	contend with sth
محروم کردن کسی از چیزی	deprive sb/ sth
از کار بیکار کردن، از کار بیکار شدن	dispense with sb's services
از دست چیزی خلاص شدن	dispose of sth/ sb
شروع / آغاز کردن کار جدید، اقدام کردن	embark on/ upon sth
تاثیر مخرب بر کسی/ چیزی داشتن	impinge on/ upon sb/ sth
از خود راضی بودن، به خود افتخار کردن	pride yourself on sth/ doing sth
خود را متقاعد کردن	resign yourself to sth
در معرض عوامل ناخوشایند قرار گرفتن	subject sb to sth
موافق بودن با عقیده یا نظریه ای	subscribe to sth

نکته: تفاوت میان on و upon

انتخاب یکی از این دو حرف به شکل گفتار یا نوشتاری که از آن استفاده می‌شود بستگی دارد. upon شکلِ رسمی‌تر on است.

مثال‌های نمونه‌ای از کاربرد این اصطلاحات را نشان می‌دهد.

If multinational companies adhere to the European Court's decision, they may have to dispose of assets which will deprive them of significant sources of income.

اگر شرکت‌های بین‌المللی از تصمیم دادگاه اروپایی اطاعت کنند، ممکن است از دست سرمایه‌ای که آنها را از داشتن منابع اصلی درآمدی محروم می‌کند، خلاص شوند.

Britain is having to contend with an aging population, the implications of which could impinge upon almost all of us in one way or another over the next 20 to 30 years.

بریتانیا با جمعیت سالخورده دست و پنجه نرم می‌کند. این مسئله می‌تواند بر همه ما به نحوی در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده تاثیر مخرب بگذارد.

In the past the company prided itself on being a major employer in the area, but last week it reluctatly agreed to dispense with the services of three of its regional managers.

در گذشته شرکت این افتخار را داشته که یکی از بزرگترین استخدام کنندگان باشد. اما هفته گذشته با اکراه تصدیق کرد که سه نفر از مدیران منطقه‌ای خود را از کار برکنار کرده است.

Banks are resigning themselves to the fact that they will be subjected to much closer scrutiny if the government embarks upon its plan of tighter financial regulation.

اگر دولت اقدام به اجرای طرح سخت‌گیری در قوانین مالی کند، بانک‌ها باید بپذیرند که عملکرد آنها تحت موشکافی و بررسی دقیق تری قرار خواهند گرفت.

Jonathan Brannon's solicitor alluded to the fact that he and his ex-wife were still engaged in a dispute over the ownership of their former home.

وکیلِ جاناتان برانونز تلویحاً گفت که او و همسر سابقش هنوز در باره مالکیت خانه سابقشان مشاجره دارند.

A spokesperson said he did not subscribe to the view that the club's action had amounted to unfair dismissal.

یک سخنگو اظهار کرد که مخالف این عقیده است که اقدام باشگاه منجر به برکناری ناعادلانه است.

ساختار متفاوت، معنای متفاوت عبارت‌های فعلی

مطالعه‌ی جدول زیر نشان می‌دهد که چگونه با تغییر ساختار عبارت‌های فعلی، معنای آنها تغییر خواهد کرد.

The plane put down in a field. (put down) intransitive.	به زمین نشستن
I'll put your number down here. (put sth down).	نوشتن اسم، شماره یا چیزی بر روی کاغذ
The cat had to be put down.	کشتن حیوانات پیر و مریض
Don't put yourself down so much! (put yourself/ sb down)	تحقیر کردن
I put my name down for the day trip to the seaside. (put sb/ sb's name down for something)	ثبت نام کردن، نام نویسی کردن

توجه: بعضی از عبارت‌های فعلی به جز فعل اصلی، دو قسمت قید و حرف اضافه هم دارند و بعضی از عبارات فعلی با عبارت‌ها و شبه جمله‌های دیگر استفاده می‌شوند.

جدول زیر نمونه‌ای از این اصطلاحات را نشان می‌دهد.

count on sb to do sth	روی کسی حساب کردن
put sb up to sth	تحریک کردن (کسی) برای انجام کار بد، اغوا
talk sb in to / out of doing sth	متقاعد کردن کسی برای انجام دادن/ ندادن کاری
work out + wh clause	فهمیدن/ دانستن (جواب)

مثال‌های زیر نمونه‌ای از کاربرد این اصطلاحات را نشان می‌دهد.

- She's usally very good; Dany must have put her up to it.
- I tried to talk her out of resigning, but she went ahead.
- I'm counting on you to help us.
- I can't work out what this means.

معانی کنایی عبارات فعلی

همانطور که می‌دانید هر کلمه علاوه بر معنای اصلی، ممکن است دارای معانی ضمنی دیگر باشد. در کنار معنای اصلی عبارات فعلی، معانی کنایی آنها نیز در گفتار و نوشتار استفاده می‌شوند.

در جدول زیر نمونه‌ای از این عبارات فعلی آورده شده است.

اصطلاح فعلی	معنای اصلی
fall apart	جدا/ پاره پاره شدن
feed on	تغذیه کردن از چیزی
go down	پایین آمدن
knock down	تخریب کردن، ویران کردن
soak up	کشیدن، جذب کردن
spill over	سرریز شدن، ریختن
stand back	عقب ایستادن
tight up	محکم کردن
turn around/ round	چرخاندن
wrap up	پیچاندن

جدول زیر نمونه‌ای از این مثال‌ها را ذکر می‌کند.

- The book's falling apart.
- Goats feed on grain.
- This lift is going down.
- The building is being
- knocked down.
- I soaked it up with a sponge.
- The water is spilled over.
- Stand back from the platform.
- You need to tighten up the screw.
- Turn the clock around/ round.
- She wrapped it up for me.

جدول زیر معنای کنایی عبارت‌های فعلی بالا را ذکر می‌کند.

عبارت فعلی	معنای کنایی
fall apart	منتفی شدن، فسخ شدن، از بین رفتن
feed on	تقویت شدن به وسیله چیزی، قوی شدن به وسیله ...
go down	نزول کیفیت، کاهش کیفیت، از کار افتادن
knock down	کاهش قیمت، شکست قیمت
soak up	به خود کشیدن، جذب کردن
spill over	پخش شدن، گسترش یافتن،هیجان زده شدن، غلیان کردن احساسات
stand back	خارج از گود به چیزی نگاه کردن
tighten up	سخت‌گیری کردن
turn around/ round	دوباره راه اندازی کردن، از ورطه نابودی نجات دادن
wrap up	به نتیجه رساندن

در زیر نمونه‌ای از کاربرد کنایه‌ای این عبارت‌های فعلی آورده شده است.

- Things went downhill and her marriage fell apart.
- Their standards have gone down in recent months.
- She knocked the price down by 15 percent.
- Terrorism feeds on fear.
- We wandered around, soaking up the atmosphere.
- The violence could spill over into neighbouring areas.
- You should stand back and consider your future.
- Airlines need to tighten up rules on baggage allowavce.
- They turned the falling company round.
- The police have wrapped up the enquiry.